

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ دسمبر ۲۰۱۹

استبداد استخباراتی-فاشیستی به جای استبداد مذهبی!

۲

دوشنبه- ۰۲ جدی ۱۳۹۸- کابل:

به ادامه گذشته:

۷- نتایج کار به اصطلاح کمیسیون شکایات از دو حالت خارج نیست، یا بر مبنای ترس از ناآرامی های احتمالی، حدود ۱۲ هزار رأی "غنی احمدزی" را باطل اعلام می دارد و در نتیجه روند را به دور دوم می کشاند و یا هم با استفاده از ضعف و قابل خرید بودن حریفان "غنی احمدزی" و بی اعتناء به پیامدهای تظاهراتی احتمالی آینده، "صرفه جوئی" نموده، یکی و یکبار "غنی احمدزی" را برنده اعلام داشته، رسماً روند انتخابات را خاتمه یافته اعلام می دارد. مسلم است که برخورد "غنی احمدزی" و باندش در قبال هریک از احتمالات، متناسب با بررسی اوضاع عمومی به خصوص اشغالگران و در رأس همه امپریالیسم امریکا تفاوت می نماید. یعنی اگر احساس نمایند که امپریالیسم جهت نمایش دموکراسی و اراداتی اش طرفدار رفتن به دور دوم است، به مانند یک برده بی اراده با اندکی نق و فوق آن را خواهد پذیرفت، هرگاه احساس نماید که چنان نیست و کمیسیون شکایات با بردن انتخابات به دور دوم، خلاف اراده اشغالگران و یا هم قسمتی از اشغالگران کاری انجام داده، در آنصورت مطمئناً صدایش را بلند نموده، از جانب خود سرکشی را تا بی نهایت ادامه خواهد داد.

در حالی که در صورت پیروز اعلام داشتن، "غنی احمدزی" و باندش به مثابه انسانهای کوچک و یا همان الاغی که بر بام منزل بالا برده شده است حین پائین آوردن، عمارت را ویران می کند، طبق تهدیدات "امراالله صالح" که مأموران استخباراتی شان را با "کرام الکتبیین" همسان دانست، به انتقام گیری از این و آن آغاز خواهند نمود. امری که در زمینه های آتی ممکن است به صورت خونبار تبارز بیابد:

الف- اگر قضایا بر روالی که تا اکنون جریان داشته، ادامه بیابد، مسلم است که بزرگترین مشکل دولت برآمده از به اصطلاح انتخابات جدید، با طالب خود را نشان خواهد داد. یعنی در صورتی که طالب بر طبل عدم مذاکره با دولت دست نشانده بکوبد و "غنی احمدزی" به حق رهبری دولت در مذاکرات و اعلام آتش بس قبل از مذاکرات؛ دورباطل "اول مرغ بود یا تخم" تا بی نهایت ادامه یافته، جنگ، خونریزی، ویرانی کشور و در به دری مردم ما باز هم ادامه خواهد یافت.

ب- دوم برخورد با بقایای باند "عبدالله عبدالمود" و آن بخش از "جمعیت اسلامی" است که خود را حامی "صلاح الدین ربانی" و "عضو وفادار جمعیت اسلامی" می دانند. با آن که رهبران این جمع تماماً قابل خرید و فروش هستند و می شود با اندکترین درایتی از بروز هر نوع مشکل جلوگیری نمود، مگر از یک سو انتقام جوئی های فردی "غنی احمدزی، امرالله صالح و عطا نور" و از جانب دیگر سیاست اصلی امپریالیسم که فقط به آن بخش از اخوان حق ادامه حیات سیاسی را اعطا می نماید که حلقه بردگی و رقیت کمپرادورسیم را بپذیرد، حل مشکل را می تواند دشوار ساخته، میدان جنگ جدیدی را علیه دولت دست نشانده باز نماید.

پ- اگر به غرابه های باندهای وابسته به "دوستم" و "خلیلی- محقق" نگریسته شود، احتمال آن که آنها سیاست درگیری با دولت دست نشانده را انتخاب نمایند، جدی به نظر می رسد، مگر از آن جایی که آنها خود تصمیم گیرنده اصلی در قبال اتخاذ سیاست های شان نیستند و این کشور های بیگانه اند که برای شان تصمیم می گیرند که چه بکنند و چه نکنند و بادر نظر داشت آن که آنها نیز در طول تاریخ چهاردهه اخیر بارها ثابت ساخته اند که متاع قابل خرید و فروش در بازار مکاره سیاست در افغانستان هستند، چگونگی برخورد با آنها نیز برمی گردد به اراده استعمار به جذب آنها و ظرفیت و درایت "غنی احمدزی" در تطبیق سیاست های استعمارگر.

ت- هر چند از گذشته های "گلبدین" بر می آید که وی فردیست خیره سر و لجوج، مگر خاستگاه اعتقادی اش به مثابه اخوان و چرخش هائی که هراخوانی با رضایت خاطر از خود نشان داده است، به علاوه تهدید مستقیم "محاكمه به خاطر جنایات جنگی"، با تمام طمطراق ها، فکر نمی کنم "غنی احمدزی" از "گلبدین" ترسی به خود راه دهد. هموطنان گرامی بر مبنای تمام آنچه گفته آمدیم می باید گفت:

تمام آنچه را ما زیر نام انتخابات مشاهده نمودیم در واقعیت امر یک نمایش مسخره و یا کاریکاتور دموکراسی بازی بود که سردمداران کشور های اشغالگر جهت تحمیق خلقهای خود و مردم افغانستان به راه انداخته اند. آنها بدون آن که به ساختار های اقتصادی این و یا آن کشور مانند افغانستان دست ببرند و در قسمت تغییر آن و یا این ساختار به ساختار دیگری قدم بردارند، دایماً مهره ها و نوکران شان را از یک ساختار به ساختار دیگری کشانده، چنان می نمایانند که گویا در صدد تغییر جامعه اند.

آنها به جای "استبداد مذهبی" که در افغانستان می تواند ریشه در ساختار اقتصادی - اجتماعی فئودالیسم داشته باشد، "استبداد استخباراتی- فاشیستی" را جایگزین می سازند، در این جایگزینی گذشته از آن که باز هم پایه های اعتقادی "مذهب" و "فاشیسم" بر طرز تفکر برتری یک انسان بر انسان دیگر استوار است و در نفس خود بخشی از فرهنگ فئودالی است، عامل اجرایی این تغییر نیز تا مغز استخوان همان فئودال بچه های کمپرادور شده هستند که حتا در ذهن شان حمله و ضدیت با ساختار فئودالی جای ندارد.

هموطنان گرامی!

تا زمانی که مردم ما قادر نگردند با نیروی لایزال خودشان، بر حیات استعمار و ارتجاع نقطه پایان بگذارند، این دورباطل رفتن یکی و آمدن دیگری ادامه خواهد یافت، بدون آن که تغییری در ساختار اقتصادی- اجتماعی جامعه و بهبودی در وضع زندگانی مردم به وجود آید. برای چنان تغییری می باید در میدان رزم چون مشت واحدی گردیده و بر فرق دشمنان میهن و مردم فرود آئیم.

سرکها ما را می طلبد!!